

## خان بابا - طباطبائی نائینی

## گوشه چشمی بعالم خواب و رؤیا

همه می‌دانیم که بیش از یک سوم عمر کوتاه و زور گذر ما در این جهان گذران، در حالتی میگذرد که شرایط سنگین و خشن بدن خاکیمان که در بیداری سخت پای بند آنهاست یعنی در زندان تنگ و تاریک سه بعد فقط در بندیم و بهیچوجه نمی‌توانیم از آن بیرون رویم، در آن حالت راه ندارد و مانند این است که بهنگام خواب این جهان را ترک می‌کنیم و وارد عالم نومی می‌شویم که قوانین و مقررات آنجا کاملاً با شرایط و نظامات جهان بیداری فرق دارد و حتی شباهتی هم با آنها ندارد چرا که در خواب دیگر اسیر سه بعد محدود بیداری نیستیم که نتوانیم پا از آن بیرون گذاریم و چون زمان و مکان این جهان فرق دارد، دیگر ما را در قید ندارد و در آن واحد می‌توانیم در مکانهای مختلف باشیم و خود را در محل‌های گوناگونی بیابیم بدون اینکه کمترین تعجبی بکنیم، همان طور که در بیداری در یک لحظه معین نمی‌توانیم در دو جا باشیم و تعجبی هم نمی‌کنیم.

باز در خواب است که این همه جا بودن را خیلی عادی و قانون کلی می‌پنداریم، ماده را از محل‌های دور قابل انتقال می‌دانیم آهن و فلزات را بزی هوای یابیم، پرواز و طی الارض را با بدنمان و بدون هیچ وسیله‌ای بسیار ساده می‌شماریم.

در آن حالت است که قوه ثقل و سنگین اجسام از بین می‌رود، گذشته و آینده بشکل حال جلوه می‌شود، آرزو و اراده‌مان هر چه باشد مانند بهشتیان آن‌جا آورده می‌گردد، فهم و ادراک معمول زمان بیداریمان در خواب بکلی عوض و همه چیزهای عالم خواب غیر از چیزهایی می‌شود که در موقع بیداری بنظرمان می‌آید، خلاصه کلیه

قوانین و سننی که در بیداری داریم در خواب يك سره پوچ و بی معنی می گردد، گوئی جسم خاکی و سنگینمان ما را ترك می کند و وارد اقلیم ساحران و کشور پریان می سازد.

دانشمندان بزرگ و متفکران عالی قدر در خصوص خواب و رویاهای آن همه نوع سخن گفته و کتابهای زیادی در این موضوع نوشته اند ولی تازه تراز همه آزمایشهای جدیدی است که « مارکی هروه » در این باب بعمل آورده و شرح کوتاه آن در زیر آمده است.

این دانشمند پس از شش ماه کوشش و تمرین مخصوص موفق میشود حافظه خود را طوری پرورش دهد که آنچه در خواب می بیند در بیداری هم بطور منظم و دقیق بیاد بیاورد و حتی نظر باینکه دقت و اراده هنگام خواب از بین نمیروند و بکار خود مشغولند، در صدد برآمد اراده اش را بطوری پرورش دهد که بتواند زمام رؤیاهایش را بدست بگیرد و مطابق میل و اراده بیدارش آنها را اداره کند.

در نتیجه ریاضتهائی که در این راه پر زحمت کشید و نظر با استعداد خاصی که داشت بالاخره باین کار موفق شد و توانست هر خوابی که بخواهد ببیند و در بیداری آن را کاملاً بطور مرتب و با تمام جزئیاتش بیاد بیاورد.

در بین خوابهائی که بیش از همه توجه متفکران را جلب کرده خوابهائی است که وقایع و حوادث آینده را بر رؤیت ما میرساند در حالی که خود آن وقایع و حوادث ظاهراً مدتها بعد بوقوع می پیوندند.

این قبیل خوابها را از آغاز تاریخ بشر دیده و جای شك و شبهه ای در درستی آنها باقی نمانده است.

اکنون هم رؤیاهائی که از غیب خبر میدهد و آینده دور یا نزدیک را بما می نمایاند کم و بیش دیده میشود و پس از تحقق یافتن آن در بیداری درستیش

آشکار می‌گردد .

برای فهم چگونگی و مکانیسم رؤیا باید دانست که هیچ خوابی خالی از رؤیا نیست ، چرا که مغز ما هنگام خفتن ، هر قدر خواب ما سنگین باشد ، از کار خود دست نمی‌کشد و مانند دیگر عضوهای بدن چون قلب ، ریه ، کبد ، کلیه مشغول انجام وظیفه حیاتی خویش می‌باشد اگر احیاناً گمان کنیم خوابی را بدون رؤیا گذرانده‌ایم برای آنست که زا کره بیداری ما نتوانسته است ربط خود با حافظه رؤیائی نگه‌دارد و آنچه در خواب گذشته است بیاد آورد .

این نکته را نیز باید دانست که حافظه رؤیائی ما با حافظه عادی زمان بیداری مان فرق کلی و آشکار می‌دارد و از جنس و طبیعت دیگری است که در اینجا مجال بحث در آن نیست .

تعبیر خواب و حکم کردن بان از کهن ترین روز کاران فکر بشر را مشغول کرده و راجع بان کتابهای زیادی نوشته شده ولی هرگز از جنبه علمی و روان شناسی بان نظر نشده و مانند این زمان توجه دانشمندان را بخود جلب نکرده و در معرض آزمایش علمی و عملی قرار نگرفته بوده است .

رؤیا از مجموع کار یاخته‌های مخصوصی پدید می‌آید که دسته مشخصی را تشکیل میدهند و برای خود محل و کار و وظیفه خاصی دارند که چون در بیداری نیازی بکار آنها نیست بخواب می‌روند و وظیفه‌شان را تعطیل می‌کنند ولی هنگام خواب ما ، یعنی وقتی که حواس ظاهری ما بخواب می‌رود و از کار می‌افتد ؛ این یاخته‌ها بیدار میشوند و بکار می‌پردازند ، استقلال خود را می‌یابند ، از قید شخصیت ما که در بیداری پا و برجا و بیدار است رها میشوند و چون سیاله و فرستندگی آنها مقید بحواس محدود ما نیست ، بعالم نامحدود و بجاهائی که هرگز فکرش هم در بیداری برای ما نمی‌آید می‌روند ، زمان و مکان ، یعنی این دو وهم بزرگ و دو موهوم ارثی و مادرزادی را که

زائیده تصور و ادراك حواس ناقص و بسیار محدود بشریست و جز در عوالم مادی وجود ندارد، درمی نوردند در عالمی غیر از جهان تنگ و تازیك سه بعدی ما وارد میشوند، مانند امواج نور و برق از هر نوع مانع مادی میگذرند، فاصله زمانی و مکانی را متوجه نمیشوند و در آن واحد در هر جزئی از زمان و یا مکان ما بسیر می پردازند، خلاصه چون کار این دسته مشخص از یاخته ها بکلی با کار سایر یاخته های ما فرق دارد و برای آنها زمان و مکان و سایر موانع سه بعدی ما وجود ندارد، توانائی این را دارند کارهایی بکنند و از خود بروزاتی بدهند که عقل ما سه بعدیان حیران شود و در برابر قدرت آنها بعجز خود اقرار آورد!

از آزمایشهای زیادی که شده محقق گشته که رؤیائی ورزیده و تعلیم یافته قادر است هنگام سیرش در زمان حقیقی که همان حال حاضر ابدی می باشد، گذشته و آینده را بخوبی مشاهده کند و بین حوادثی که رخ داده با آنهائی که بعدها باید رخ دهد تشخیص دهد، بعبارت دیگر خاطرات بنظر ما گذشته را با وقایع آینده در يك جا و بشکل حال به بیند و مشاهداتش را بما برساند. از این رو این نکته بسی دقیق مسلم گشته که آینده و گذشته در حال حاضر موجود و قابل ادراك و رؤیت است!

خوابهای فراوان و رویاهای گوناگونی که دیده شده و آزمایش علمی و عملی در آمده همه مؤید این نکته بسیار مهم و باریك است و جای شك و شبهه ای باقی نمی نگذارد ولی حیف که در این مقال مجال بحث مفصل آنها نیست.

در جوابهایی که موضوع آنها آینده بینیست، چیزی که از سایر قسمت ها بیشتر قابل توجه و دقت است این است که در کلیه پیش بینی های در خواب و غیب گوئیها، چه در گذشته و چه در زمان کنونی، پیش آمدهای خوش و فرح بخش بنظر خفته نرسیده و جز بلاهای سخت و خطرهای بزرگ و حوادث بد چیزی پیش بینی نشده است، کوئی فقط دردها و ناکامیهای بشری در طبیعت وجود دارد و چیز فرح انگیز و نشاط آوری دیده

نمی‌شود بعبارت دیگر مانند این است که طبیعت فقط برنجها و آلام بشری توجه دارد آنها را برای این موجود بینوا «خیره کرده و بی درپی مرتباً برایش می‌فرستد .

از عوامل مهمی که در خواب دیدن ما مؤثر است ، غیر از وقایع جاری زمان بیداری و غیر از موارد استثنائی که در بالا اشاره شد ، آرزوهای نهفته و امیدهای برنیاورده شده نهانی ما است که چون در بیداری فکر ما متوجه آنست و حسرت می‌بریم چرا این آرزوها برآورده نمیشود، در خواب بتحقیق می‌پیوندند و صریحاً بمانیگویند مگر خوشی را در خواب به بینیم و دمی چند بنخیال آن خوشی خیالی ، خوش باشیم !

از قدرتهای نهان و مرموزی که در پاره‌ای از اشخاص موجود است و در پیش بطور خیلی کوتاه بآن اشاره رفت ، باید منتهای استفاده را ببریم و آن قوارا چنان تربیت کنیم و رشد دهیم که آینده بینی برای آنها عادی شود و هر وقت اراده شد هر زمان را بخواهند در خواب ببینند و از پیش آمدهای آن باخبر گردند.

در آن وقت است که باستعداد شگرف و نامکشوف چند یاخته دماغمان آفرین می‌کوئیم و بیکی از بزرگترین مشکل آفرینش و شگفت‌انگیزترین معمای حیات که پیش بینی آینده در زمان حال باشد آشنا می‌شویم و بنتایج حیرت زای آن پی می‌بریم و شاید در جهان کثیرالابعاد بتوانیم بسیر و سیاحت پردازیم .

مردمان را عیب نهانی پیدا مکن که مرایشان را رسوا کنی و  
خود را بی اعتماد . هر که در حالت توانائی نیکوئی کند در حال ناتوانی  
سختی نبیند .

( سعدی )